



بسم الله الرحمن الرحيم

آشفته گی بزرگ در برابر خانواده‌ها

(بخش اول)

سرمایه‌داری مادران را تحقیر می‌کند

(ترجمه)

اصطلاح آشفته گی در حال حاضر به بهانه یک اقتصاد دیجیتلی، که تجارت جهانی را بی ثبات ساخته و به شدت مورد بحث قرار دارد، قسمی که راهکارهای تجاری گذشته غیرمتعارف و باطل گشته‌اند؛ اما معنای آشفته گی در این مقاله به معنای واقعی کلمه یک اختلال و هرج و مرج بوده که میلیون‌ها خانواده را از غرب تا شرق بدبخت کرده و تبدیل به یک فاجعه‌ی بشری گشته است. این مصیبت را عمدتاً جریان‌های کپیتلیزاسیون (سرمایه‌گذاری) توانمندی زنان سبب شده است. شکل معاصر آن حاصل عجین شدن زن‌گرایی با نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که بعد باعث ظهور عصر جدیدی از آشفته گی مادران می‌شود که نه تنها زنان مسلمان را تأثیرپذیر ساخته؛ بل مادران را در سرزمین‌های غیراسلامی به ویژه در غرب و آسیا-اقیانوسیه نیز اسیر خود ساخته است.

بخش اول مقاله به این که چگونه این آشفته گی توسط فمینیزه کردن مهاجرت با عاملیت نظام اقتصادی سرمایه‌داری برای بهره‌برداری از مادران به وجود آمده است، خواهد پرداخت و بنابر این، نقش مستقیم در ترک ده‌ها میلیون طفل و افزایش آمار طلاق دارد. هم‌چنان در بخش دوم این که چگونه لیبرالیزم، یکی از ارزش‌های لاینفک سرمایه‌داری سیکولر، کوچک شدن اندازه‌ی خانواده‌ها را باعث شده و حتی منتج به یک تمدن در معرض خطر شده است، مرور خواهیم کرد.

فمینیزه کردن مهاجرت؛ امپریالیزم عظیم‌الجثه در برابر مادران

از بدو تولد نظریه سرمایه‌داری، این ایدیولوژی در حقیقت همیشه زنان را تحقیر کرده و با آن‌ها منحصت کارگران بی‌ارزش یا ابزار تولید برخورد کرده است. اوج نقش زنان فقط و فقط در زبان اقتصاد معنی پذیر است؛ این‌که چگونه مواد را تولید کرده و به تجارت سرمایه‌دار نفع برسانند. چنانچه اهداف زشت سرمایه‌داری در نخستین روزهایش با نظریه‌های زن‌گرایی پنهان شده و با شعار توان‌مندی زنان پوشانده شد که این شعارها شیرین به نظر می‌رسید.

در این عصر آشفته‌گی، چهره‌ی واقعی سرمایه‌داری به طور فزاینده‌ای پدیدار شده که حرص آن مادران را به شدت مورد سوءاستفاده قرار داده است، بالاخص آن‌هایی که در منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه منحصت آخرین بازاری آرزوی از بین رفتن سرمایه‌داری را دارند. این منطقه با فمینیزاسیون (زنانه‌سازی) گسترده‌ی مهاجرت مواجه بوده که نتیجه‌ی غیرقابل اجتناب امیال سیرناپذیر سرمایه‌داری در راستای رشد اقتصادی است. این امیال واضحاً در سخنرانی هیلری کلنتن در "APEC" (انجمن همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه) به تاریخ ۲۹ جون ۲۰۱۲ م برجسته بود. او گفت: «اکنون زنان ۴۰ درصد نیروی کار جهانی را ارائه می‌کنند؛ ۴۳ درصد نیروی کار زراعتی جهانی و بیشتر از نصف دانشجویان در دانشگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهند. بنأء این کاملاً منطقی است؛ محدود کردن پوتنسیل اقتصادی زنان در هرکشور مانند گذاشتن پول در سر راه است، چون این معنی ندارد؛ خصوصاً زمانی که ما هنوز در حال تلاش برای رشد و بیرون رفت از بحران‌های اقتصادی هستیم.»

سخنان کلنتن انگیزه‌ی کشورهای سرمایه‌دار را به وضوح نشان می‌دهد؛ کسانی که جرئت قربانی کردن زنان شان را دارند، چرا که آن‌ها زنان را منحصت کارگران محض و ماشین رشد اقتصادی نشان می‌دهند؛ نه منحصت مادران نسل‌های آینده و باعزتی که از آن‌ها دفاع شود. سرمایه‌داری عمداً مادران را تحقیر می‌کند تا کارگران محض و حتی کارگران بسیار سطح پایین باشند. براساس گزارش "ILO" (سازمان بین‌المللی کار) در سال ۲۰۱۳ م، ۴۳ میلیون زن منحصت نگهدار، آشپز، خانه‌سامان و خدمت‌کار استخدام شده اند. این نشان‌دهنده‌ی افزایش جدی استخدام ۱۹ میلیون تن منحصت کارگران خانه‌گی در ۱۸ سال اخیر است. فقر و کمبود رفاه برای میلیون‌ها زن در کشورهای شان آن‌ها را مجبور به ترک خانه‌ها و اطفال شان ساخته تا آخرین دیدار را با آن‌ها داشته باشند. بیشترین کارگرهای خانه از کشورهای جهان سوم، به شمول جهان اسلام و بیشترشان از آسیا-اقیانوسیه می‌آیند؛ ۲۱,۴ میلیون به شمول کشورهای امریکای لاتین و به تعقیب آن کارائیب با ۱۹,۶ میلیون، که این شکل جهانی پیاده‌سازی سرمایه‌داری است و با منافع خودش مبتنی بر مدل مالیاتی و نظام بازار آزاد همراه با اصول لیبرالی و آزادی مطلق باعث شده تا سرمایه در دست عده‌ای سرمایه‌دار متمرکز شود و در نتیجه انتشار فقر شدید در بین مسلمانان و کشورهای جهان سوم بطوری متناوب انجام شود. پس زنانه‌سازی یا کارگرهای خانه‌گی؛ یعنی قراردادن زنان برای سوءاستفاده.

ده‌ها میلیون طفل بی‌مادر رها شده اند

مفکوره‌ی زهرآگین فمینیسم در همکاری با حرص کپیتلیزم، همیشه ضربات اجتماعی را در زندگی کودکان، خانواده‌ها و جامعه منحصت یک کل نادیده می‌گیرد که این ضربات جدی حتی توسط "وانیسا توبین" معاون یکی از نهادهای طفل سازمان ملل (UNICEF) در

نیویارک، هشدار داده شده بود. او گفت: «مطالعات گوناگون نشان داده‌است که هزینه‌های اجتماعی مهاجرت کاری با قطع کردن ارتباطات خانواده و تحرک‌شان منحنی اولین قربانی، از مفاد اقتصادی بیشتر است.» توبین بیان کرد که افزایش فمینیزاسیون (زنانه‌کردن) مهاجرت، وضعیت را پیچیده ساخته است؛ قسمی که این امر مستلزم تعریفی دوباره از نقش اقتصادی زنان در جامعه و هم‌چنان در خانواده است. (منبع: کنفرانس بین‌المللی جندر، مهاجرت و توسعه، ۲۰۰۸م)

هم‌چنان آشفته‌گی مادری، برعلاوه‌ی متزلزل شدن امر ازدواج یک نسل ضعیف، رنجور و ترک‌شده منحنی یک نتیجه‌ی گران برای ملتی که مادران را منحنی ماشین رشد اقتصادی استخدام می‌کنند، تولید کرده است. کمیسیون اندونیزیایی حفاظت اطفال در سال ۲۰۱۶م اطلاعاتی را در خصوص میلیون‌ها طفل، که توسط مادران شان به خاطر کار در خارج از کشور ترک شده اند، منتشر کرد که ۱۱،۲ میلیون طفل اندونیزیایی محروم از مراقبت والدین و عاطفه‌ی مادری هستند، در حالی که آمارهای UNICEF در سال ۲۰۰۸م نشان می‌دهد که در حدود ۶ میلیون طفل در فلپین، زمانی که مادران شان برای کار مهاجر کردند، ترک شده اند. اطفال ترک شده هم‌چنان زمانی که با مادران کارگران مهاجرشان مهاجرت می‌کنند، با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. هم‌چنان تخمیناتی که در صبا-مالیزیا شده است، نشان می‌دهد که در حدود ۵۰ هزار طفل کارگران مهاجر اندونیزیایی از حقوق درست تعلیمی برخوردار نیستند، و در هانگ کانگ هم قضیه‌ی "کودکان ثبت نشده" که برای صدها هزار کارگر خانم از مهاجرین اندونیزیایی و فلپینی متولد می‌شوند، موجود است.

هم‌چنان مهاجرت اقتصادی که میلیون‌ها طفل را از مادران شان جدا می‌کند، در چین نیز اتفاق می‌افتد. بر اساس داده‌های فدراسیون زنان چین (ACWF) و یونیسف (UNICEF) در سال ۲۰۱۶م، ۶۱ میلیون طفل زیر سن ۱۷ سال در چین وجود دارد که در هنگام مهاجرت یکی از والدین شان برای کار در مناطق روستایی ترک شده اند. بیش از ۳۰ میلیون دختر و پسر بعضی در سن چهار سال در مکاتب شبانه روزی در روستاها دور از والدین شان و اغلباً دور از پدربزرگ و مادربزرگ شان و یا بدون یک سرپرست زندگی می‌کنند. قسمی که توسط "لی یایفی" استاد دانشگاه نارمل بیجینگ در سال ۲۰۱۵م تحقیق شده که این اطفال ترک‌شده در چین به مشکلات فراوانی مانند قاچاق اطفال، خشونت جنسی، خودکشی، جنایت و دیگر امراض اجتماعی گرفتار می‌شوند. این تأثیر واقعی آشفته‌گی مادر بودن در تمدن سیکولریزم است که از نور و رهنمایی اسلام به دور است و به یاد داشته باشید که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾

[طه: ۱۲۴]

ترجمه: و هرکسی که از یاد من اعراض کند (روی بگرداند)، زندگی‌اش تنگ می‌شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم.

اصل توان‌مندسازی زنان در اسلام، عبارت از بهینه‌سازی نقش‌شان منحنی محافظان تمدن و معلمین نسل‌های آینده می‌باشد، نه من‌حیث نیروی کار. در پیش‌نویس قانون اساسی حزب‌التحریر (مقدمه‌ی دستور) در بخش مربوط به نظام اجتماعی اسلام چنین بیان شده است: «نقش اصلی یک زن در اسلام عبارت است از مادر بودن برای اطفال‌اش و مدیریت خانه‌ی شوهرش است؛ او افتخاری است که باید حمایت و حفاظت شود.»

پارادایم اسلام در تضاد شدید با سرمایه‌داری قرار دارد؛ چون اسلام در واقع از این ارتباط شایسته بین نقش مادرانه زنان و کیفیت نسل آینده با تضمین این‌که طبیعت مادرانه در جامعه مؤثر خواهد ماند و تضمین تولد پایدار و با بهترین کیفیت نسل آینده توسط حمایت نظام‌های تعلیمی، اجتماعی و اقتصادی تمدن اسلامی، در عین زمان دسترسی زنان به حقوق تعلیمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تضمین خواهد کرد. اسلام دستور می‌دهد که ضروریات زنان باید همیشه توسط بسته‌گان مردشان فراهم گردد و اگر وابسته فامیلی مردی نداشته باشند، دولت نیازهای مالی شان را بر آورده خواهد کرد.

نویسنده: فیکا کومارا

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۸ محرم ۱۴۴۰ هـ.ق

۸ اکتوبر ۲۰۱۸ م